



فقه و امنیت

پدیدآورنده (ها) : لکزایی، نجف

فقه و اصول :: نشریه فقه :: زمستان ۱۳۹۰، سال هجدهم - شماره ۴ (ISC)

صفحات : از ۴۵ تا ۸۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/985464>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مطالعات فقهی امنیت
- ماهیت و چیستی شناسی «فقه امنیتی» و «فقه امنیتی»
- کنکاشی در رابطه با تاثیر مباحث حکم شناسی در فقه امنیت با رویکردی بر آرای امام خمینی(ره)
- ضرورت تأسیس رشته فقه امنیت
- امنیت فرهنگی از منظر فقه شیعه
- دیدگاه امنیتی شیعه با تأکید بر اندیشه ی آیه الله شهید بهشتی
- ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای(مدظله العالی)
- سازوکارهای تأمین امنیت روانی در فقه سیاسی
- جایگاه امنیت نظام سیاسی در فقه امامیه با تأکید بر مرجع امنیت
- حمایت از علایم تجاری در برابر رقابت غیر منصفانه
- ماهیت حقوقی سهام پذیرفته شده در بورس
- مطالعه تطبیقی قرارداد داورى: رضایی یا تشریفاتی

عناوین مشابه

- جایگاه اسناد رسمی در امنیت مالی شهروندان در فقه امامیه و حقوق موضوعه
- نقش اصول حاکم بر سیاست جنایی فقه امامیه در کاهش جرائم و ثبات امنیت ملی
- بررسی بُعد اقتصادی امنیت حج از منظر قرآن، روایات و فقه المذاهب
- کاوشی در برخی مفاهیم محل امنیت ملی و آسایش عمومی از منظر فقه اسلامی
- ساز و کار تأمین امنیت ملی از منظر فقه سیاسی اسلام
- مبانی قرآنی رابطه امنیت و دیپلماسی در فقه سیاسی با رویکرد به قاعده «امان، تالیف قلوب و الزام»
- امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه
- از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی (نگاهی دوباره به نسبت عدالت و امنیت در حوزه فقه و امنیت ملی)
- نسبت عدالت و امنیت در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت
- خشونت خانگی زوج علیه زوجه (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق موضوعه با تأکید بر لایحهٔ پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار)

فقه و امنیت

دکتر نجف لک زایی*

چکیده: تمدن سازی ملازم است با تولید در عرصه های علم و فرهنگ، سیاست و قدرت، و اقتصاد و ثروت؛ و تولید اینها بدون امنیت میسر نیست؛ و تولید امنیت بدون دانش امنیتی امکان ناپذیر است. برخی از مسائلی که در این مقاله بحث شده، از این قرار است: جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به ساحات، سطوح، موضوعات و قلمروهای امنیت؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به تهدیدات و امنیت سخت و نرم؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به کارگزاران امنیت و تهدید. فقه امنیت به لحاظ دانشی نیز از مختصات چگون روشمند بودن، نظام مند بودن، هدف مند بودن، عملیاتی و عینی بودن و در نتیجه توجه عمده به مظاهر و شاخص های تهدید و امنیت برخوردار است.

کلیدواژه ها: فقه، امنیت، فقه امنیت، احکام امنیت، حفظ نفس، حفظ مال، حفظ نسل، حفظ عقل، حفظ دین.

* مسئول پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون، مطالعات امنیتی در سطح جهان پیوسته در حال گسترش بوده است. در ایران نیز، هرچند با تأخیر، حدود دو دهه است که به این رشته مطالعاتی توجه جدی تری شده است. دلیل این اقبال جهانی روشن است؛ انحطاط امنیتی حاکم بر جهان، که در دو جنگ عالمگیر اول و دوم و ده ها جنگ بزرگ و کوچک جلوه کرد، و نیز استبداد و استعمار حاکم بر بسیاری از کشورها، که انقلاب ها، قیام ها و جنبش های فراوانی را به دنبال داشت، نخبگان سیاسی و فکری را به تأمل و چاره جویی واداشته است. اما باید اذعان کنیم که بخش عمده ادبیات تولیدشده در این زمینه، از آن قدرت هایی است که خود باعث و بانی ناامنی های بزرگ جهان معاصر بوده اند، و مع الأسف مسلمانان در ادبیات امنیتی مذکور، سهم اندکی داشته اند.

این مسئله، هنگامی جای تأمل دارد که حوزه مطالعات امنیتی، با پدیده «امنیت» به مثابه امری هنجاری سروکار دارد، و به شدت آغشته به زمینه های ارزشی و بومی است و جز در سطح یافته های سخت افزاری، قابل اقتباس و بهره برداری نیست. از این رو مراجعه به سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی، امری لازم است، و بازشناسی، بازسازی و نوسازی آن، متناسب با شرایط و اقتضائات ارزشی و بومی، به منظور ارائه راه کارهایی برای خروج جهان و به ویژه جهان اسلام از انحطاط امنیتی، از طریق ارائه مکتب امنیتی اسلام، ضروری به شمار می آید.

اهمیت و ضرورت این مسئله هنگامی روشن تر می شود که متوجه شویم سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی، به اندازه تاریخ اسلام قدمت دارد؛ زیرا پیدایش اسلام، مباحث درازدامن امنیتی را با خود به همراه داشت؛ چه در سه سال اول دعوت حضرت ختمی مرتبت (ص) که به صورت مخفیانه بود، و چه بعد از آن، که از حصر و تحریم مسلمانان در شعب ابی طالب آغاز شد و تا

هجرت به مدینه و سپس حملات متعدد مشرکین به دولت تازه تأسیس اسلامی ادامه داشت، همگی با رنج و زحمت و دفاع توأم بود.

نتیجه تحقیقات و مطالعات نگارنده این است که سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی، بسیار متنوع و عمیق است، و شاخه‌ها و گرایش‌های متعددی دارد. منظور نگارنده از «سنت»، رفتار روشمند رسوخ یافته در تاریخ فکر است که با مطالعه روشمند کشف می‌شود. اگر این تعبیر ثقیل باشد، می‌توان از این مباحث به عنوان زمینه‌های مطالعات امنیتی در علوم اسلامی یاد کرد. به هر حال در این مقاله سعی شده است نمونه‌ای از این مطالعه ارائه شود. مهم‌ترین این شاخه‌ها، سنت‌ها و گرایش‌ها، به قرار زیر است:

۱. سنت فلسفی مطالعات امنیتی: ردپای این سنت مطالعاتی در مباحث فلاسفه‌ای چون فارابی، ابن‌سینا، ابن‌عامری، شیخ اشراق، خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالمألهین، علامه طباطبایی و امام خمینی قابل ردیابی است؛^۱

۲. سنت کلامی مطالعات امنیتی: ردپای این سنت مطالعاتی در مباحث متکلمانی چون شیخ مفید، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی و شهید مطهری قابل ردیابی است؛

۳. سنت اخلاقی مطالعات امنیتی: این سنت مطالعاتی توسط علمای اخلاق تعقیب شده است. بررسی آثار اخلاقی دانشمندانی چون ابن‌مسکویه، غزالی، نراقی و امام خمینی مؤید این ادعا است؛

۴. سنت تفسیری مطالعات امنیتی: منظور آثاری است که توسط مفسران

۱. دلالت‌های امنیتی آرا و نظرات برخی از این متفکران، توسط نگارنده مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. (لک‌زایی، «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳۸۹، ش ۴۹؛ همو، «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳۸۹، ش ۵۰).

بزرگ قرآن پدید آمده و آیات امنیتی را تفسیر و تجزیه و تحلیل کرده اند. المیزان، نمونه ای برای مطالعات تفسیری است. برای مثال درباره امنیت آیات زیادی وجود دارد، ولی شاید این آیه جامع ترین باشد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»؛ کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم نپوشانیدند، امنیت از آن ایشان است و ایشان راه یافتگان اند. «الگوی مطرح شده در آیه چنین است: ایمان = پرهیز از ظلم = امنیت. ^۲ از آنجا که دامنه ظلم وسیع است، آیات و روایات فراوانی به تبیین آن پرداخته اند. ^۳ روشن است که قرآن برای سنت های مطالعاتی دیگر، منبع به شمار می آید؛

۵. سنت حدیثی مطالعات امنیتی: منظور آثاری است که توسط عالمان حدیث پدید آمده و واجد روایات امنیتی است. الکافی و بحار الانوار، نمونه ای برای مطالعات حدیثی است. برای مثال امام علی (ع) در یکی از فرمایشات شان تکلیف مکتب امنیتی اسلام را روشن کرده اند: «مُفَارَقَةُ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْأَمْنِ»؛ جدایی از دین جدایی از امنیت است. ^۴ روشن است که احادیث برای سنت های مطالعاتی دیگر، منبع به شمار حساب می آیند؛

۶. سنت تاریخی: این سنت مطالعاتی، در آثار مورخان بزرگ مسلمان ردیابی می شود. این آثار با تحلیل رفتار و سیره امنیتی حضرت محمد (ص)، ائمه معصومین (ع) و خلفا، دربردارنده مباحث مهمی هستند. برای نمونه می توان به منابعی چون تاریخ مسعودی، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی و مقدمه ابنخلدون اشاره کرد؛

۷. سنت سیاست نامه ای: این سنت، متأخر از سنت های پیشین پدید آمده و بیشتر حاوی رویکردهای تجربی است. سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی

۲. سوره انعام، آیه ۸۲.

۳. جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۱۲، فطرت در قرآن، ص ۲۵۷.

۴. الکافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ص ۲۸.

و روضة الانوار محقق سبزواری، از نمونه های چشمگیر در این سنت است؛^۵

۸. سنت عرفانی: منظور آثاری است که توسط عرفا پدید آمده است. از سنت عرفانی، نمونه هایی چون منطق الطیر عطار، التذییرات الالهیه فی اصلاح المملكة الانسانیة ابن عربی، مثنوی مولانا، آثار سنایی و امام خمینی را می توان برشمرد؛

۹. سنت ادبی: منظور آثاری است که توسط ادبا پدید آمده است. از سنت ادبی، با نمونه هایی چون شاهنامه فردوسی، کلیله و دمنه، آثار سعدی، عبید زاکانی و... می توان یاد کرد؛

۱۰. سنت فقهی: این شاخه از مطالعات امنیتی توسط فقها پایه ریزی و شکوفا شده است. در ادامه این نوشتار، تنها به شرح و بسط و توصیف ویژگی های سنت مطالعاتی اخیر، یعنی سنت فقهی مطالعات امنیتی خواهیم پرداخت.

جایگاه امنیت در فقه

از آنجا که گزاره های فقهی به شکل «حکم» ارائه می شود و «فقیه» فردی است که حکم موضوعات را از ادله تفصیلی استنباط می کند، لازم است به این نکته پرداخته شود که «امنیت» در فقه چه حکمی دارد؟ نوع آن حکم چیست؟ و تا چه اندازه بر احکام دیگر تأثیر می گذارد. بنابراین بایسته است پیش از تبیین دقیق جایگاه امنیت در فقه، و نوع نگرش فقها به آن، با تعریف و انواع حکم آشنا شویم.

حکم در لغت به معنای داوری و قضاوت،^۶ قضاوت از روی عدل و انصاف،^۷ قضاوت ایجابی یا سلبی درباره چیزی،^۸ و منع و بازدارندگی برای

۵. لک زایی، «سازوکارهای تأمین امنیت ملی از دیدگاه محقق سبزواری»، فصل نامه

علوم سیاسی، سال ۱۳۷۹، ش ۹.

۶. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۹۰۱.

۷. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۰.

۸. الزبیدی، تاج العروس، ج ۸، ص ۲۵۲.

اصلاح،^۹ به کار رفته است.

حکم در اصطلاح فقهی، در معانی گوناگون استعمال شده است:
سید محمدباقر صدر می گوید:

حکم شرعی، قانونی است که از سوی خدای متعالی برای
نظم بخشیدن به حیات انسانی صادر شده است، و خطابه های
شرعی در کتاب و سنت، حکم را روشن می سازد و از آن پرده
برمی دارد. گرچه خود خطابات، حکم شرعی نیستند.^{۱۰}

این تعریف، شامل احکام تکلیفی و وضعی می شود.

در تعریفی دیگر، حکم جامع هر نوع حکم حکومتی دانسته شده است:

حکم، انشای نافذ از طرف حاکم اسلامی - نه از جانب خدای
متعالی - است. حال آن حکم، حکم شرعی باشد یا وضعی و
یا موضوع حکم شرعی و وضعی در یک شیء خاص باشد.^{۱۱}

این برداشت از مفهوم حکم، بسیار وسیع تر از حکم قضایی است؛ زیرا
حکم قضایی، تنها موارد نزاع و خصومت را شامل می شود، ولی احکام
حکومتی، دربردارنده مسائلی غیر از مورد نزاع نیز هست؛ مانند حکم حاکم به
دیدن هلال. در اصطلاح حقوقی، به رأی دادگاه درباره ماهیت دعوا، که به
قطع آن منجر شود، «حکم» اطلاق می شود.^{۱۲}

انواع حکم

حکم در اصطلاح فقها، بسیار متنوع و متعدد است. در این مقاله تنها سه نوع
آن مورد توجه است که به تعریف آن می پردازیم:

۹. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۲۵.

۱۰. صدر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولى، ص ۱۶۱.

۱۱. علل الشرائع، باب ۲۳۷، رقم ۱۷، ص ۴۸۳.

۱۲. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۴۲.

الف) حکم اولی: حکم معجولی است که بر افعال و ذوات، بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی و استثنایی مترتب می‌شود. بنابراین موضوعات آن، عناوین اولیه است. به عبارت دیگر، احکام اولیه، عبارت است از سلسله بعث و زجرها و اباحه‌هایی که بر ذات موضوعات، بدون عروض عناوین ثانوی تعلق می‌گیرد. این حکم مربوط به شرایط عادی، معمولی و طبیعی است. احکام اولیه دو نوع هستند:

۱. حکم تکلیفی: عبارت است از اعتباری که از سوی شارع صادر می‌شود و مستقیم متوجه رفتار و عمل مکلف است. حکم تکلیفی، به اقسام پنج‌گانه واجب، حرام، مکروه، مستحب و مباح تقسیم می‌شود.^{۱۳}

۲. حکم وضعی: عبارت است از حکم و اعتباری که تبیین‌کننده یک وضعیت است و مستقیم متوجه رفتار و عمل مکلف نیست و غالباً موضوع حکم تکلیفی قرار می‌گیرد؛ مانند زوجیت که موضوع وجوب نفقه است.^{۱۴} احکام اولیه وضعی در عدد خاصی محدود نشده است و حداقل اجماعی در این مورد وجود ندارد.

ب) حکم ثانوی: حکمی است که بر موضوع، به وصف اضطرار و اکراه و سایر عناوین ثانوی مترتب می‌شود و به شرایط خاص باز می‌گردد.^{۱۵} به عبارت دیگر، مربوط به شرایط غیرعادی، فوق‌العاده و اضطراری است. در چنین شرایطی حکم اولی لغو می‌شود.

ج) حکم حکومتی: «ولی امر می‌تواند، یک سلسله تصمیمات مقتضی به حسب مصالح زمان و مکان گرفته و طبق آنها مقرراتی وضع نماید و به اجرا بیاورد. مقررات نام‌برده، لازم‌الاجرا و مانند احکام شریعت دارای اعتبار می‌باشند. با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیرقابل تغییر، و مقررات

۱۳. خویی، مصباح‌الاصول، ج ۳، ص ۷۸.

۱۴. صدر، الحلقات، الحلقة الثانية، ص ۲۳.

۱۵. مشکینی، اصطلاحات‌الاصول، ص ۱۲۱.

وضعی قابل تغییر، و در ثبات و بقا تابع مصلحتی می باشند که آنها را به وجود آورده است و چون پیوسته زندگی جامعه انسانی در تحول و روبرو به تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تبدیل پیدا کرده، جای خود را به بهتر از خود خواهند داد. «^{۱۶} به عبارت دیگر: «حکمی که ولی جامعه، بر مبنای ضوابط پیش بینی شده، طبق مصالح عمومی، برای حفظ سلامت جامعه، تنظیم امور آن، برقراری روابط صحیح بین سازمان های دولتی و غیردولتی با مردم، سازمان ها با یکدیگر، افراد با یکدیگر، در مورد مسائل فرهنگی، تعلیماتی، مالیاتی، نظامی، جنگ و صلح، بهداشت، عمران و آبادی، طرق و شوارع، اوزان و مقادیر، ضرب سکه، تجارت داخلی و خارجی، امور ارزی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظافت، و زیبای شهرها و سرزمین ها و سایر مسائل مقرر داشته است. «^{۱۷}

پس از برشمردن و تعریف انواع احکام، اینک باید بررسی کنیم که «امنیت» مصداق کدام یک از این احکام قرار می گیرد؟ در جست و جوهایی که نگارنده انجام داده، تاکنون ندیده است که فقیهی این پرسش را پاسخ داده باشد، هرچند از مسائل امنیتی، فراوان سخن گفته اند. شاید بتوان گفت امنیت از احکام اولیه وضعی است، در حالی که «دفاع» یک حکم اولی تکلیفی است. امنیت هم یک «وضعیت» است و هم موضوع است برای احکام تکلیفی جزئی فراوانی که در ادامه از آن سخن خواهیم گفت؛ اما دفاع بر افراد مکلف واجب شرایط واجب است. امنیت از این جهت با عناوینی چون «مالکیت»، «زوجیت»، «ریاست» و «حکومت» مشابهت دارد. فقیه در «احکام وضعی» عمدتاً دو کار انجام می دهد:

یک. تعیین شرایط و سازوکارهای تحقق و تولید وضعیت و نیز حفاظت

۱۶. علامه طباطبائی، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقاله «ولایت و زعامت»، ص ۸۳.

۱۷. گرجی، مقالات حقوقی، ج ۲، ص ۲۸۷.

از وضعیت پدیدآمده در قبال آسیب‌ها و تهدیدها؛

دو. بیان شرایط و سازوکارهای سلب وضعیت، در زمانی که وضعیت پدیدآمده منشأ آسیب و تهدید شود.

بنابراین روشن می‌شود که ممکن است حکم وضعی، منشأ احکام تکلیفی جزئی شود و این احکام تکلیفی، طبق آنچه پیش از این گفتیم، می‌تواند در پنج نوع طبقه‌بندی شود. معنای این سخن این است که در حکم وضعی امنیت، فقیه از احکام امنیتی در شرع سخن می‌گوید. البته هر حکم اولی، موضوع احکام ثانوی و حکومتی نیز می‌تواند قرار گیرد؛ زیرا حکم ثانوی دایر مدار «اضطرار» است، و برای فهم حکم حکومتی نیز مثال «جهاد» کافی است؛ چرا که جهاد اگرچه حکم اولی است، اما موضوع حکم حکومتی هم می‌تواند قرار گیرد؛ یا «مالکیت» با اینکه حکم اولی است، اما در تراحمات و مواردی که بحث مصالح عمومی به میان بیاید، موضوع حکم حکومتی می‌شود. قضاوت، حج، خمس، زکات و... نیز این گونه‌اند.

موضوع «امنیت» در مباحث حکومتی از جهت دیگری نیز مطرح است. به این بیان که امنیت در مرکز تصمیمات و وظایف حکومت اسلامی است، و چنان‌که در ادامه خواهیم گفت، در مرکز توجه فقه نیز قرار دارد و طبق دیدگاه برخی از فقها، فقه و بلکه «دین اسلام» برای تأمین امنیت دنیا و آخرت انسان و جوامع انسانی آمده است.

تعریف امنیت در فقه

در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر می‌شد. متفکران مسلمان علم مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم می‌کردند.^{۱۸} فقه سیاسی، مواجهه دوسویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است. فقه امنیت در ادامه چنین دیدگاهی قابل فهم و ارائه است.

۱۸. فارابی، احصاء العلوم.

در دستگاه فقه شیعه، بر طبق یک طبقه‌بندی، شریعت به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم می‌شود. ظاهراً محقق حلی برای نخستین بار این ابواب را برای فقه تعریف کرده است^{۱۹} و بیشتر فقیهان بعد از او نیز این تقسیم را پذیرفته‌اند؛ هرچند شکل ابتدایی این تقسیم در آثار فقه‌های قبل از وی، از جمله سلار دیلمی دیده می‌شود.^{۲۰}

«عبادات»: عبارت است از اعمالی است که قصد قربت در آن شرط شده است. این بخش در جزء اول شرایع بحث شده است.

«قراردادها/عقود»: عبارت است از اعمالی که مشروط به قصد قربت نیست و نیازمند صیغه و توافق طرفین است. این بخش در جزء دوم شرایع بحث شده است.

«ایقاعات»: عبارت است از اعمالی که مشروط به قصد قربت نیست و تحققش نیازمند صیغه و طرف واحد است. این بخش در جزء سوم شرایع بحث شده است.

«احکام»: عبارت از اعمالی است که نه صیغه خاصی دارد و نه مشروط به قصد قربت است؛ بلکه تنها واجب است که موازین شرعی در آنها رعایت شود. سیاست و امر سیاسی از جمله مسائل باب چهارم است و در ذیل «احکام» دیده شده است. این بخش در جزء چهارم شرایع بحث شده است.

شهید اول، نظامات سیاسی را از جمله «وسایلی» تلقی می‌کند که مصالحی «تبعی» دارند و «احکام» آنها تابعی از حفظ مصالح خمس است؛ یعنی احکام فقهی برای تأمین این مصالح آمده است. ایشان مقاصد یا ضروریات خمس را چنین برشمرده است: حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب و حفظ مال.^{۲۱}

۱۹. محقق حلی، شرایع الاسلام، فهرست.

۲۰. سلار بن عبدالعزیز دیلمی، المراسم العلویه، ص ۲۸ و ۱۴۵.

۲۱. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳۸.

«حفظ نفس» که «امنیت جانی» است، به وسیله برخی از احکام فقهی از قبیل قصاص، دیه و دفاع تأمین می شود.

«حفظ دین» که «امنیت فرهنگی» به شمار می آید، به وسیله برخی از احکام فقهی از قبیل حرمت نگهداری و خرید و فروش کتب و ابزارهای فرهنگی گمراه کننده (ضاله)، حرمت موسیقی طرب انگیز، وجوب تعلیم مسائل شرعی و مبارزه با ارتداد تأمین می شود.

«حفظ عقل» یا «امنیت روانی» به وسیله برخی احکام فقهی از قبیل تحریم مسکرات و حد آنها تأمین می شود.

«حفظ نسب» یا «امنیت خانواده»، به وسیله برخی احکام فقهی از قبیل تحریم زنا، احکام مربوط به محرم و نامحرم، حجاب، ازدواج، طلاق و عده تأمین می شود.

«حفظ مال» یا «امنیت اقتصادی»، به وسیله برخی احکام فقهی از قبیل تحریم غصب و سرقت و خیانت و راهزنی تأمین می شود.^{۲۲}

یادآوری این مطلب ضروری است که در تقسیم و تحلیل مذکور، عمدتاً حوزه امنیت فردی غلبه دارد و مباحث مهمی از قبیل امنیت ملی، نادیده گرفته شده است. در اینجا به این پاسخ اجمالی اکتفا می کنیم که در فقه ذیل عناوین دیگری چون حفظ دارالاسلام، حفظ بیضه مسلمین و در باب جهاد در سطح وسیع تر به این بحث پرداخته شده است؛ زیرا بحث جهاد، که از معروف ترین مباحث فقه است، مربوط به «حفظ دارالاسلام» یا دربردارنده «امنیت ملی» است. احکام دیگری چون حرمت غیبت، تهمت، دروغ، حد قذف و وجوب وفای به عهد که تأمین کننده امنیت روانی و اجتماعی است نیز به تفصیل در فقه بحث و بررسی شده است. به نظر می رسد شهید هم به این مطلب توجه داشته است؛ زیرا ایشان در امتداد مصالح خمس، هر چیزی را که به نوعی وسیله جلب مصلحت و دفع مفسده در اجتماع انسانی است، داخل در احکام شریعت تلقی نموده و امامت،

سیاست و حکومت را ذیل این امور تحلیل کرده است؛ حوزه متغیر و متطوری که امکان تشریح تفصیلی و ثابت در تمام موارد وجود ندارد و شارع به دلیل ماهیت این قلمرو از زندگی بشر، در برخی از موارد به «تشریعات عامه» یا «قوانین کلی» اکتفا نموده و تفصیل آن را به حکومت و حاکم وانهاده است.^{۲۳}

از مباحث گذشته چند نکته روشن می شود:

نخست اینکه از تعبیر فقهی واژه «حفظ» معنایی تقریباً معادل یا نزدیک به واژه «امنیت» استفاده می شود.

دوم اینکه به دلیل متغیر بودن مسائل مربوط به زندگی سیاسی و ازجمله مسائل امنیتی، بخشی از اختیارات در این حوزه در احکام حکومتی قرار می گیرد. بر این اساس می توان گفت مشهورترین واژه ای که در سنت مطالعات فقهی برای تعریف «امنیت» به کار رفته است، واژه «حفظ» است. البته اصطلاحات مرتبط با بحث امنیت در فقه فراوان است؛ مانند: جهاد، حرب، محارب، بغی، مفسد فی الارض، خوف، رعب، ظلم، تقيه، ضرر، قتل، مقاتله، صلح، سلام، سلم، عدل، قسط، قصاص، حدود و... .

بنابراین سیر تحول مفهوم امنیت در فقه و بررسی نوع نگاه فقها به موضوع امنیت، ذیل عناوینی از قبیل حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ عرض و آبرو، حفظ مال، حفظ دارالاسلام و... به عنوان مقومات جامعه اسلامی جست و جو می شود.

با توجه به آنچه بیان داشتیم، تعریف کلی ذیل، از امنیت، به دست می آید: «امنیت» به معنای دستیابی به وضعیتی است که «الف» با انجام دادن یا انجام ندادن اقداماتی، از آسیب، تعرض و تهدید «ب» محفوظ و مصون باشد، تا به «ج» برسد یا در وضعیت «ج» باشد.

این تعریف در جدول ذیل، به شکل اجمالی، بر مشتقات امنیت، از منظر فقهی، تطبیق شده است:

جدول شماره ۱: جدول تعریف امنیت در فقه

ردیف	نوع امنیت	«الف»	با انجام اقداماتی، مصونیت تولید می‌کند یا از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون است	تابه وضعیت «ج» دست یابد = وضعیت «حفظ».
۱	امنیت فردی	فرد	انجام واجبات و ترک محرمات	آسایش و آرامش جان، مال، آبرو، و... = حفظ نفس، عقل و مال.
۲	امنیت عمومی	جامعه	اجرای احکام قضایی، به ویژه حدود و دیات، مجازات ظالمان، مفسدان، مجرمان، بزهکاران، امر به معروف و نهی از منکر و...	حفظ نظم، حفظ نظام اجتماعی.
۳	امنیت سیاسی	شهروندان	اجرای احکام سیاسی اسلام از قبیل نفی طاغوت، مبارزه با حاکمان جائز و مستبد، برقراری نظام عدل اسلامی، نفی سبیل	حفظ نظام امامت و ولایت، بیعت و مشارکت سیاسی، مردم سالاری، استقلال، آزادی.
۴	امنیت فرهنگی	اسلام و سبک زندگی اسلامی	تقید به آداب شرعی از جمله حجاب و محرم و نامحرم، جمعه و جماعات، گسترش شعایر مذهبی از قبیل مسجد و حسینیه، حج، و مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان و دعوت به اسلام	حفظ دین.
۵	امنیت اقتصادی	اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف)	اجرای احکام اقتصادی اسلام از قبیل تحریم برخی شغل‌ها و وجوب برخی از آنها، خمس، زکات، انفاق، حرمت احتکار، نفقه و...	رखورداری از ضروریات زیستی، توسعه اقتصادی، رفاه، عدالت اقتصادی و... = حفظ مال.

۶	امنیت ملی	حاکمیت، حکومت، سرزمین، جمعیت	اجرای احکام نظامی، دفاعی اسلام از قبیل جهاد	تأمین اهداف و منافع ملی، استقلال و هر ارزش حیاتی دیگر = حفظ دارالاسلام.
۷	امنیت خانوادگی	خانواده	احکام مربوط به خانواده از قبیل ازدواج، طلاق، حجاب، محرم و نامحرم و نفقه	حفظ خانواده
و ...				

ابواب فقهی در جدول ذیل آنگونه که در کتاب شرائع آمده، و وجه یا وجوه امنیتی اولیه هر باب را ملاحظه می‌نمایید. مقصود از «وجه امنیتی اولیه» این است که هریک از این ابواب، وجوه امنیتی دیگری نیز دارند که با تحلیل و دقت بیشتر قابل ارائه است، که فعلاً در صدد استنباط و ارائه آن نیستیم:

جدول شماره ۲: جدول کتاب‌ها و ابواب فقه، به ترتیب کتاب شرائع و وجه امنیتی اولیه هریک از ابواب و کتب

ردیف	عبادات	وجه امنیتی	ردیف	عقود	وجه امنیتی	ردیف	ایقاعات	وجه امنیتی	ردیف	احکام و سیاست	وجه امنیتی
۱	طهارت	بهداشتی	۱۰	تجارت	اقتصادی	۲۵	طلاق و ابواب مرتبط	خانوادگی اجتماعی	۳۲	صید و ذبح	غذایی بهداشتی
۲	نماز	معنوی	۱۱	رهن	اقتصادی	۲۶	عتق	فردی اجتماعی	۳۳	اطعمه و اشربه	غذایی بهداشتی
۳	روزه	معنوی و اجتماعی اقتصادی	۱۲	ضمان	اقتصادی	۲۷	تدبیر، مکانیه و استیلا	فردی اجتماعی	۳۴	غصب	اقتصادی

ردیف	عبادات	وجه امنیتی	ردیف	عقود	وجه امنیتی	ردیف	ایقاعات	وجه امنیتی	ردیف	احکام و سیاست	وجه امنیتی
۴	اعتکاف	معنوی	۱۳	صلح	اقتصادی اجتماعی	۲۸	اقرار	حقوقی قضایی	۳۵	شفعه	اقتصادی اجتماعی
۵	زکات	اقتصادی اجتماعی معنوی	۱۴	مضاربه	اقتصادی اجتماعی	۲۹	جعاله	اقتصادی	۳۶	احیاء موات	اقتصادی
۶	خمس	اقتصادی اجتماعی	۱۵	مزارعه و مساقات	اقتصادی اجتماعی	۳۰	ایمان	فردی اجتماعی	۳۷	لقطه	اقتصادی اجتماعی
۷	حج و عمره	معنوی اجتماعی	۱۶	ودیعه	اقتصادی اجتماعی	۳۱	نذر	فردی	۳۸	فرائض	اقتصادی خانوادگی
۸	جهاد	ملی / نظامی منطقه‌ای جهانی	۱۷	عاریه	اقتصادی اجتماعی				۳۹	قضاء	حقوقی
۹	امر به معروف و نهی از منکر	فردی اجتماعی	۱۸	اجاره	اقتصادی اجتماعی	۴۰				شهادت	حقوقی فردی
			۱۹	وکالت	اجتماعی						
			۲۰	وقت و صدقات	اقتصادی اجتماعی						
			۲۱	هبات	اقتصادی اجتماعی	۴۱				حدود و تعزیرات	معنوی اجتماعی
			۲۲	سبق و رمایه	نظامی اجتماعی فردی	۴۲				قصاص	فردی اجتماعی
			۲۳	وصایا	اجتماعی اقتصادی	۴۳				دیات	فردی اجتماعی
			۲۴	نکاح	خانوادگی						

امنیت از احکام اولیه وضعی است، در حالی که «دفاع» یک حکم اولی تکلیفی است. امنیت هم یک «وضعیت» است و هم موضوع است برای احکام تکلیفی جزئی فراوانی که در ادامه از آن سخن خواهیم گفت؛ اما دفاع بر افراد مکلف واجد شرایط واجب است.

یادآوری ها:

۱. در متن کتاب، حج و عمره در دو باب آمده است، اما در اینجا ادغام شده است؛ ۲. حجر و مفلس در ردیف عقود آمده است، اما چون نادرست بود، در این ردیف نیاوردیم؛ ۳. کفارات به عنوان ملحقات کتاب ظهار آمده است؛ ۴. در متن شرایع، ابواب مرتبط به طلاق (خلع و مباراة، ظهار، ایلاء و لعان) هر کدام یک باب مستقل محاسبه شده است.

مرجع امنیت از نگاه فقها

در سنت مطالعات فقهی امنیت، اگرچه برای هریک از انواع امنیت مرجع خاصی ذکر شده است، اما در مجموع، اسلام در جایگاهی برتر از تمام موارد مذکور قرار گرفته است. بنابراین مرجع اصلی، اسلام است. روشن است که فلسفه تعیین مرجع اصلی، تعیین تکلیف در مواردی است که با تزامم روبه‌رو می‌شویم و باید با مکانیزم تقدیم اهم بر مهم، تصمیم‌گیری نماییم.

بنابراین هرگاه امر میان حفظ اسلام و حفظ جان دایر شود، حفظ اسلام مقدم است، چه رسد به تزامم میان حفظ اسلام و حفظ مال و امثال آن. از این رو جهاد، که متضمن بذل مال و جان در راه خداست، با هدف اعتلای کلمه اسلام انجام می‌گیرد. ترسیم و طراحی محیط امنیتی نیز با همین مبنا صورت گرفته است؛ زیرا مبتنی بر تعیین نسبت تمام قلمروهای جغرافیایی با وضعیت

اسلامی است؛ از قبیل دارالاسلام و دارالکفر. سیره سیاسی معصومین (ع) و از جمله سیره امنیتی نبوی (ص)، سیره امنیتی علوی (ع) و سیره امنیتی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) با همین مبنا تبیین می شود.

برای نمونه، درباره مرجع امنیت، شایسته است اشاره ای به فرمایشات امام خمینی داشته باشیم. ایشان ضمن اینکه «اسلام» را «امانت» در دست «ملت» دانسته اند، چنین تأکید کرده اند:

شما توجه داشته باشید، چه پاسداران و چه سایر قوای انتظامی و نظامی و غیر انتظامی و چه سایر ملت، همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم این اسلامی که الآن به ما رسیده، حفظش کنیم تا آن فرد آخری هم که - خدای نخواست - کشته می شود، موظف برای حفظ اسلام، برای دفاع از ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی تا آن آخر زن و مرد، بچه و بزرگ مکلف اند که دفاع کنند. مسئله دفاع یک امر عمومی است؛ هر کس قدرت دارد، به هر مقدار که قدرت دارد، از کشور اسلام، باید دفاع کند. اسلام و احکام اسلام آن قدر اهمیت دارد که پیغمبرها برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند و در اسلام، از صدر اسلام به بعد، بزرگان اسلام خودشان را فدا کردند برای اسلام. اسلام امانتی است که از جانب خدای تبارک و تعالی، به ما سپرده شده است، همه ما برای حفظش موظفیم و نباید بترسیم از اینکه چند نفر کشته شدند، چند نفر را با بمب کشتند، ابد این حرف ها نیست. اسلام نه وابسته به من است و نه وابسته به تو. اسلام از خداست و همه ما مکلف برای حفظ او هستیم و با قدرت و قوت حفظ می کنیم او را.^{۲۴}

۲۴. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

ایشان در جای دیگر فرموده اند:

حفظ اسلام، دیگر نوشته تو پیشانی ارتش که باید او حفظ کند. اسلام را همه باید حفظ بکنیم، بر همه ما حفظ اسلام واجب است. ۲۵

حضرت امام در فرمایش دیگری، سلسله مراتب موضوعات امنیتی را تعیین فرموده اند که در این میان «اسلام» بالاترین جایگاه را دارد:

وقتی که اسلام در خطر است، همه شما موظف اید که با جاسوسی حفظ بکنید اسلام را. وقتی که حفظ دماء مسلمین بر همه واجب باشد، اگر - فرض کنید که - حفظ جان یک نفر مسلمانی، حفظ جانش وابسته [به] این است که شما شرب خمر کنید، واجب است بر شما، دروغ بگویید، واجب است بر شما. احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است، اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه ما باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می کنند که بریزند و یک جمعیت بی گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. بر همه ما واجب است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک همچو غائله ای پیدا بشود. حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است... ما الآن یک امانتی در دستان ما است و آن اسلام است. عذر نداریم به اینکه ما بنشینیم کنار، بگوییم دیگران بروند حفظش کنند. امانت مال دیگران نیست. این امانت، امانتی است که خدا پیش [ما نهاده] برای همه ما هست، نگهدارش همه ما هستیم. ۲۶

۲۵. همان، ص ۱۱۶.

۲۶. همان، ص ۱۱۷.

در سنت مطالعات فقهی امنیت، معمولاً حفظ دین بالاتر از حفظ جان، حفظ جان بالاتر از حفظ خرد، حفظ خرد بالاتر از حفظ نسل و حفظ نسل بالاتر از حفظ مال شمرده می‌شود. روشن است که مرجع تشخیص و تعیین اولویت‌ها، دولت اسلامی است که در رأس آن حاکم واجد شرایط قرار دارد.

چارچوب‌ها و الگوها

سنت مطالعات فقهی، در اندیشه و آثار فقهی تمام فقها و تمام دوره‌ها و تمام مناطق جهان اسلام، سنتی یکنواخت، مستمر و یکسان نیست. تداوم و انقطاع این سنت، به شیوه‌های مختلفی قابل بررسی است. در اینجا از دو شیوه یاد می‌کنیم: الف) شیوه درون فقهی؛ ب) شیوه برون فقهی.

الف) چارچوب‌ها و الگوهای درون فقهی

شیوه درون فقهی به ساختار کلانی اشاره دارد که فقیه از منظر آن به تمام موضوعات فقهی و از جمله امنیت نگریسته است. از این نظر می‌توانیم از دو دسته فقها یاد کنیم: دسته‌ای که مباحث امنیتی در نگاه آنها از برجسته است؛ و دسته دوم کسانی که مباحث امنیتی در آثار آنها کم‌فروغ است. آنچه باعث شده است که مباحث امنیتی در آثار دسته اول پررنگ‌تر باشد، غالباً چارچوب و الگویی است که به خدمت گرفته‌اند. پیش از این به یک نمونه از این چارچوب‌ها، که مبنای طبقه‌بندی مسائل فقهی بود، اشاره شد. در اینجا به چند نمونه دیگر اشاره می‌شود.

۱. الگوی فاضل مقداد

فاضل مقداد، از فقه‌های بزرگ قرن نهم هجری، برای ترتیب موضوعات فقهی، دو شیوه را پیشنهاد کرده است:

شیوه اول: بشر در تکامل شخصیت خود، باید عوامل سودمند را فراهم و

عوامل مضر را دفع کند. برخی از عوامل سودمند، نتیجه فوری می دهند و برخی نتیجه غیرفوری. عبادات از قسم دوم، و احکام مربوط به ازدواج، معاملات و نظایر آن، از قسم اول است. احکام جزایی نیز برای جلوگیری از عوامل مضر وضع شده است. در این تقسیم، امنیت جزو عوامل سودمند، و تهدید جزو عوامل مضر به شمار می آید؛ لذا شریعت در جهت تأمین اولی و دفع دومی، وارد عمل شده است.

شیوه دوم: دین برای حفظ پنج عنصر بنیادی زندگی انسان آمده است؛ یعنی دین، جان، مال، نسب و عقل. عبادات به عنوان پشتوانه دین وضع شده اند؛ بخشی از احکام جزایی برای حفظ جان؛ مقررات باب معاملات برای تنظیم روابط مالی و حفظ اموال؛ احکام ازدواج و توابع آن و برخی احکام جزایی برای نگهداری انساب؛ احکام مربوط به مسکرات و مجازات شرابخواری برای حفظ عقل؛ و ابواب قضا و شهادت به عنوان حافظ کلیت نظام اسلامی و ضمانت اجرایی آن طرح ریزی شده است.^{۲۷}

۲. الگوی نائینی از تحقیقات کمپوتر علوم اسلامی

الگوی رایج در تقسیم نظام های سیاسی تا پیش از نائینی، الگوی دوگانه عادل و جائز بود؛ یعنی فقها از منظر وضعیت و شرایط حاکمان، حکومت ها را به دو دسته عدل و جور تقسیم می کردند. نائینی برای نخستین بار این الگو را ارتقا داد. الگوی وی به جای عدالت، بر آزادی و امنیت شهروندان تأکید دارد. او نظام های سیاسی را به دو نوع ولایتیه و تملیکیه تقسیم کرد. به نظر ایشان شیوه استیلاء و تصرف سلطان و حاکم در مملکت، منحصر در دو روش است:

اول آنکه مانند آحاد مالکان نسبت به اموال شخصیه خود، با

۲۷. اعرافی، فقه تربیتی، ص ۹۱-۹۲.

مملکت و شهروندان رفتار کند؛ مملکت را مال خود انگارد و اهلش را مانند برده، برای اهداف خود مسخر و مخلوق پندارد؛ هر که را به این غرض وافی دید، مقرّش کند، و هر که را منافی یافت، از مملکت تبعید نماید و یا اعدام نماید؛ و هر مالی را که خواهد، از صاحبش بگیرد و هر حقی را که خواهد، احقاق کند؛ و اهتمامش در نظم و حفظ مملکت، مثل سایر مالکان نسبت به مزارع و مستغلاتشان، منوط به اراده و میل خودش باشد؛ اگر خواهد نگهداری کند و اگر خواهد به اندک چاپلوسی به حریف بخشد و یا برای تهیه مصارف سفرهای لهُو و بی فایده و خوشگذرانی بفروشد و یا رهن گذارد؛

دوم آنکه مقام مالکیت و قاهریت و فاعلیت مایشاء و حاکمیت مایرید اصلاً در بین نباشد. اساس سلطنت فقط بر اقامه وظایف و مصالح مشترک میان انسان‌ها، که متوقف بر وجود سلطنت و حکومت است، مبتنی باشد و اختیارات حکومت به همان اندازه محدود، و تصرفش به عدم تجاوز از آن حد، مقید و مشروط باشد.^{۲۸}

وی در توضیح، تفاوت و تمایز این دو قسم می‌فرماید:

این دو قسم از سلطنت، متباین و در لوازم و آثار، متمایزند؛ زیرا مبنای قسم اول به جمیع مراتب و درجاتش، بر قهر و تسخیر مملکت و اهلش در تحت ارادات دل‌بخواهانه سلطان، و صرف امکانات اقتصادی و غیر اقتصادی در جهت اهداف خود، و مسئول نبودن در اقدامات، مبتنی و مقوم

۲۸. نائینی، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، ص ۴۱-۴۴.

است، و حقیقت این قسم از سلطنت به اختلاف در جاتش، خداوندی بر مملکت و اهلش خواهد بود؛ بر خلاف قسم دوم؛ زیرا حقیقت آن عبارت است از ولایت بر اقامه وظایف مربوط به نظم و حفظ مملکت، نه مالکیت، و امانتی است نوعیه در صرف قوای مملکت، که قوای نوع است، در این مصارف، نه در شهوات خود؛ و از این جهت اندازه استیلای سلطان، به مقدار ولایت بر امور مذکور، محدود و تصرفش، چه به حق باشد یا به اغتصاب، به عدم تجاوز از آن حد مشروط خواهد بود. اتحاد ملت با شخص سلطان در امور اقتصادی و غیر اقتصادی از قوای نوعیه شریک، و نسبت همه به آنها متساوی و یکسان، و همه متصدیان امور، همگی امین نوع اند نه مالک و مخدوم، و مانند سایر امناء در قیام به وظیفه امانت داری خود، مسئول ملت، و به اندک تجاوز، مأخوذ خواهند بود؛ و تمام افراد اهل مملکت به اقتضای مشارکت و مساواتشان در قوی و حقوق، بر مؤاخذه و سؤال و اعتراض قادر و ایمن، و در اظهار اعتراض خود آزاد، و طوق مسخّریّت و مقهوریت در تحت ارادات شخصیه سلطان و سایر متصدیان را در گردن نخواهند داشت.

حقیقت این قسم از سلطنت، چون از باب ولایت و امانت و مانند سایر اقسام ولایات و امانات، به عدم تعدی و تفریط، مقوم و محدود است، پس حتماً حافظ این حقیقت، و مانع از تبدلش به مالکیت مطلقه، و مانع از تعدی و تفریط در آن، مانند سایر اقسام ولایات و امانات به همان محاسبه و مراقبه و مسئولیت کامله منحصر، و بالاترین وسیله ای که برای حفظ این حقیقت و منع از تبدل و ادای این امانت و جلوگیری از

اندک ارتکابات شهوانی و اعمال شائبه استبداد متصور است، همان عصمتی است که اصول مذهب ما بر اعتبارش در ولی نوعی مبتنی است، و با دسترسی نبودن به آن دامن مبارک، تحقق نظارت بیرونی موقوف بر دو امر است: ۱. تدوین قانون اساسی؛ ۲. تشکیل مجلس شورای ملی.^{۲۹}

مهمترین کارویژه حکومت، حفظ امنیت اسلام و مردم است. از این جهت است که در شریعت مطهره، حفظ بیضه اسلام را از اهم جمیع تکالیف، و حکومت اسلامی را از وظایف و شئون امامت مقرر فرموده اند، و واضح است که تمام جهات راجع به توقف نظام عالم به اصل حکومت، و توقف حفظ شرف و قومیت هر قومی به امارت نوع خودشان، به دو اصل منتهی است: اول: حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی حقی به حق خود و منع از تعدی آحاد ملت؛ دوم: تحفظ از مداخله بیگانگان و تحذر از حیل معمول در این باب و تهیه قوه دفاعیه و ابزار جنگی و غیر ذلک، و این معنی را در لسان متشرعین: «حفظ بیضه اسلام»، و سایر ملل: «حفظ وطن» خوانند.^{۳۰}

الگوی نائینی، به دلیل اینکه در چارچوب مشروطه ارائه شد و در نظام مشروطه، شاه همچنان حضور داشت، در فضای سیاسی ایران به نتایجی که وی پیش بینی کرده بود نرسید، و عملاً قانون اساسی و پارلمان نتوانست به ایفای نقش پردازد؛ چیزی که باعث شد امام خمینی الگوی بدیل را پیشنهاد دهد؛ الگویی که به حذف سلطنت از صحنه سیاسی ایران منجر شد.

۲۹. همان، ص ۴۵-۴۸.

۳۰. همان، ص ۴۹-۵۰.

۳. الگوی امام خمینی

الگوی امام از جهات مختلف با الگوهای قبلی متفاوت است. این تمایزات را در چهار محور اشاره می‌کنیم: ۱. محور رهبری؛ ۲. محور نظام سیاسی؛ ۳. محور اهداف و کارویژه‌های حکومت؛ ۴. محور مردم.

به نظر امام خمینی مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. قانون برای آنکه مایهٔ اصلاح و سعادت بشر شود، به قوهٔ اجرائیه و مجری نیاز دارد. از این رو خداوند متعالی در کنار فرستادن مجموعه‌ای از قوانین (احکام شرع)، حکومت و دستگاه اجرا نیز مستقر کرده و رسول اکرم (ص) را در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعهٔ مسلمانان قرار داده است. پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت می‌گماشت تا دولت اسلام را به وجود آورد. برای نمونه در آن زمان، تنها به بیان قانون جزا اکتفا نمی‌کرد، بلکه به اجرای آن می‌پرداخت. پس از رسول اکرم (ص) جانشین ایشان نیز همین وظیفه و مقام را به عهده داشت. تعیین جانشین از سوی رسول گرامی اسلام (ص) تنها برای بیان عقاید و احکام نبود؛ بلکه اجرای احکام و تنفیذ قوانین را نیز دربر می‌گرفت. وظیفهٔ اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام، بر اهمیت تعیین جانشین می‌افزود تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) رسالت خویش را بدون آن به اتمام نمی‌رسانید؛ زیرا مسلمانان پس از رسول اکرم (ص) به کسی احتیاج داشتند که قوانین را اجرا کند و نظامات اسلام را در جامعه برقرار سازد تا سعادت دنیا و آخرتشان تأمین شود. این اصل کلی در همه کشورهای عالم وجود دارد که قانون‌گذاری به تنهایی فایده ندارد، بلکه قانون و نظامات اجتماعی مجری لازم دارد.^{۳۱}

بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره، که همهٔ جریانات و

۳۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۵-۲۶.

فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورد، هرج و مرج و فساد اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید. پس برای جلوگیری از هرج و مرج و عنان‌گیسیختگی و فساد اجتماعی، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همهٔ اموری که در کشور جریان می‌یابد. بنابراین به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دورهٔ حیات رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما نیز لازم است. کسی نمی‌تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کرد؛ یا مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود؛ و یا قانون کیفری اسلام و دیات و قصاص باید تعطیل شود. هرکه اظهار کند تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، ضرورت اجرای احکام اسلام را منکر شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.^{۳۲}

دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین به گونه‌ای است که برای تکوین یک دولت و ادارهٔ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریع شده است. احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی، هرچه بشر نیاز دارد فراهم شده است: از طرز معاشرت با هم‌سایه، اولاد، عشیره، قوم و خویش، هم‌شهری، امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته، تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل؛ از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی. روشن است که اسلام تا چه اندازه به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد تا همهٔ شرایط به خدمت تربیت انسان مهذب و بافضیلت درآید. قرآن مجید و سنت، شامل همهٔ دستورات و احکامی

است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. در کتاب کافی فصلی است با عنوان «تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است»، و «کتاب» یعنی قرآن، «تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ» و روشنگر همه چیز و همه امور است. بنابر روایات، امام سوگند یاد می کند که تمام آنچه ملت احتیاج دارد، در کتاب و سنت آمده، و در این شکی نیست. ۳۳

احکام دفاع ملی یکی از این موارد است. روشن است که احکام راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد؛ برای نمونه حکم: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» به تهیه و تدارک هرچه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی و آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش امر می کند. ۳۴

امام خمینی از وجود احکام سیاسی و اجتماعی، به ویژه احکام دفاعی و امنیتی، بر ضرورت حکومت اسلامی استدلال کرده است.

همچنین امام خمینی در کتاب البیع، شش دلیل برای تشکیل حکومت اسلامی آورده است که اکثر آنها امنیتی است. ایشان فرموده اند:

فإن لزوم الحكومة لبسط العدالة، والتعليم والتربية، وحفظ النظم، ورفع الظلم، وسد الثغور، والمنع عن تجاوز الأجانب من أوضح أحكام العقول، من غير فرق بين عصر وعصر، أو مصر ومصر؛ ۳۵

ادله ضرورت حکومت اسلامی عبارت است از: گسترش عدالت، گسترش تعلیم و تربیت، حفظ نظم، رفع ظلم، حفاظت از مرزها و جلوگیری از تجاوز بیگانگان....

۳۳. همان، ص ۳۰.

۳۴. همان، ص ۳۴.

۳۵. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۲۱.

ب) چارچوب ها و الگوهای برون فقهی

۷۱



فقه و امنیت

الگوهای سه گانه ای که اشاره شد، به تبیین سنت مطالعات امنیتی با چارچوب های درون فقهی می پرداخت. این موضوع را از منظر برون فقهی نیز می توان تحلیل و بررسی کرد. از این منظر روش های زیر قابل توجه است:

۱. روش تحلیل گفتمانی

تحلیل گفتمان در شکل های مختلفی تقریر شده است. مقصود در اینجا بهره گیری از گفتمان، به عنوان یک تکنیک تحلیلی، برای فهم مقایسه ای دیدگاه علمای مسلمان و نیز طیف های مختلف اندیشه و عمل امنیتی در طول تاریخ اسلام است. اگر هدف بررسی مقایسه ای اندیشه های امنیتی فقها باشد، این روش کارآیی دارد. براساس این روش، در تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی، در یک طبقه بندی که منشأ اندیشه ها، اهداف مورد نظر آنها باشد، چهار نوع گفتمان در ساحت اندیشه و رفتارهای امنیتی دیده می شود: گفتمان امنیتی تغلّبی؛ گفتمان امنیتی اصلاحی؛ گفتمان امنیتی انقلابی؛ و گفتمان امنیتی تقیه ای.^{۳۶}

یکم. گفتمان امنیتی تغلّبی: نظریه های مطرح در این گفتمان، در صدد حفظ وضع موجود است. محور اساسی این نظریه ها، جمله مشهور «الحق لمن غلب» است. طبیعتاً در این اندیشه ها هیچ گونه توجهی به آسیب ها و تهدیدها نمی شود؛ چراکه اندیشه ورز، نظام سیاسی را حتی در بدترین شکل خود می پذیرد. از این نوع اندیشه ورزان، که عموماً و عمدتاً استبداد و سلطنت را نهادینه کرده اند، در عالم اسلامی و جهان غیر اسلام، کم نداشته ایم. برای نمونه، فضل الله بن روزبهان خنجی، از علمای اهل سنت، در کتاب مشهور خود به نام «سلوک الملوک»، آنجا که انواع حکومت های مشروع را

۳۶. لک زایی، چالش سیاست دینی و نظم سلطانی.

برمی‌شمارد، یک نوع از این حکومت‌ها را حکومتی می‌داند که از طریق استیلا، قهر، شوکت و غلبه پدید آمده باشد:

و طُرُق انعقاد امامت (در کلام ایشان یعنی حکومت) چهار است: اول، اجماع مسلمانان بر امامت او و بیعت اهل حل و عقد از علما و قضات و رؤسا [...]؛ طریق دوم، استخلاف امام سابق کسی را که شرایط امام در او جمع شده باشد [...]؛ سوم از طریق انعقاد امامت، شورا است [...]؛ طریق چهارم از اسباب انعقاد پادشاهی و امامت، استیلا و شوکت است. علما گفته‌اند که چون امام وفات کند و شخصی متصدی امامت گردد، بی‌بیعتی و بی‌آنکه کسی او را خلیفه ساخته باشد و مردمان را قهر کند به شوکت و لشکر، [بخوانید زور] امامت او منعقد می‌گردد، خواه قریشی باشد و خواه نه، و خواه عرب باشد یا عجم یا ترک، و خواه مستجمع شرایط باشد و خواه فاسق و جاهل و اگرچه آن مستولی بدین فعل عاصی می‌گردد؛ و چون به واسطه سطوت و استیلا جای امام گرفته، او را سلطان گویند و امام و خلیفه بر او اطلاق توان کرد. ۳۷.

از نظر نویسنده سلوک الملوک، بر حاکم «خواه فاسق و جاهل»، خواه «مستجمع شرایط»، خواه «عاصی» و... می‌توان «امام» و «خلیفه» اطلاق کرد، زیرا صرف داشتن «شوکت و لشکر» باعث قدرت و مقبولیت اوست. در این گفتمان، امنیت حاکمان مد نظر است و از امنیت مردم خبری نیست.

دوم. گفتمان امنیتی اصلاحی: اندیشه‌ها و رفتارهای این گفتمان با توجه به شرایط زمان و مکان و نیز امکانات و سایر شرایط و مقتضیات، که از آنها به

«واقعیت‌های موجود» تعبیر می‌کنیم، ضمن اینکه از اصول و ارزش‌های اساسی خویش عقب‌نشینی نمی‌کنند، در حد مقدورات و امکانات و فهمی که از توانایی خویش دارند، پیشنهادهایی به منظور اصلاح و بهبود نسبی امور، و از جمله امور امنیتی، ارائه می‌دهند و اگر شرایط مساعدتر شد، سعی می‌کنند بر پیشنهادهای خود، برای بهبود اوضاع بیفزایند.

در میان عالمان شیعی، اندیشه سیاسی فقهای چون شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، محقق سبزواری، مرحوم نراقی و علامه نائینی، اندیشه‌های سیاسی و امنیتی اصلاحی است. در این نظریه‌ها تقاضاهایی مبنی بر اجرای احکام اسلامی، در کنار نوعی بیان، که مبین کنار آمدن با سلطنت، و نه مشروعیت بخشیدن به آن است، وجود دارد؛ شبیه آنچه آیت الله نائینی درباره سلطنت مشروطه، به کمک اصولی چون عمل به «قدر مقدور» و «دفع افسد به فاسد» ارائه کرده است. روشن است که اصول دیگر، مانند اصل ضرورت حکومت، اصل تقدیم اهم بر مهم، اصل عدالت اجتماعی، اصل تکلیف، اصل رعایت مصلحت اسلام و مسلمین، اصل رعایت احکام ثابت شرعی، اصل نفی سبیل و اصل اجتهاد نیز در این اندیشه‌ها مؤثر بوده است، به ویژه اصل «اجتهاد» که اساس و حاکم و جهت‌دهنده تمامی اصول مذکور است.

اندیشه سیاسی و امنیتی امام خمینی و به تبع آن آسیب‌شناسی وی از نظام سیاسی پهلوی، در یک مقطع از تاریخ اندیشه ایشان، اصلاحی است؛ چنان‌که مبین اصلاحی بودن اندیشه و عمل سیاسی علمایی است که ایشان از آنها نام برده است. بیانات زیر در همین گفتمان (اصلاحی) قابل تحلیل و توضیح است:

ما ذکر کردیم که هیچ فقیهی تاکنون نگفته و در کتابی هم ننوشته که ما شاه هستیم یا سلطنت، حق ما است. آری، همان طور که ما بیان کردیم، اگر سلطنتی و حکومتی تشکیل

شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که خوب است و مطابق مصالح کشور و مردم است. البته تشکیلاتی که براساس احکام خدا و عدل الهی تأسیس شود، بهترین تشکیلات است؛ لکن اکنون که آن را از آنها نمی‌پذیرند، اینها هم با این نیمه تشکیلات هیچ‌گاه مخالفت نکرده و اساس حکومت را نخواستند به هم بزنند و اگر گاهی هم با شخص سلطانی مخالفت کردند، مخالفت با همان شخص بوده، از باب آنکه بودن او را مخالف صلاح کشور تشخیص دادند، و گرنه با اصل اساس سلطنت تاکنون از این طبقه مخالفتی ابراز نشده [است]، بلکه بسیاری از علمای بزرگ عالی‌مقام، در تشکیلات مملکتی با سلاطین همراهی‌ها کردند، مانند خواجه نصیرالدین و علامه حلی و محقق ثانی و شیخ بهائی و محقق داماد و مجلسی و امثال آنها. [...] مجتهدین همیشه خیر و صلاح کشور را بیش از همه می‌خواهند.^{۳۸}

نکته اساسی در تفکر و اندیشه سیاسی «مجتهدین» که در بخش پایانی مطالب مذکور آمد، آن است که «مجتهدین همیشه خیر و صلاح کشور را بیش از همه می‌خواهند.» و طبیعی است که باید پیشنهادهای شان در همین فضا فهمیده شود و تفاسیر دیگر، تفسیر «بما لا یرضی صاحبه» خواهد بود.

تفسیری که امام خمینی درباره رفتار سیاسی و امنیتی علما و مجتهدین دارد، درباره رفتار و عمل سیاسی و از جمله امنیتی ائمه (ع) نیز دارد. از منظر ایشان همکاری ائمه (ع) با حاکمان جور، به منظور خیر و صلاح مسلمین بوده است. بنابراین نباید کسانی گمان کنند ائمه (ع) حکومت‌های جور را تأیید کرده‌اند، پس نباید در هیچ زمانی، برای برپایی حکومت حق قیام کرد:

۳۸. امام خمینی، کشف اسرار، ص ۱۸۶ - ۱۸۷.

اکنون اگر کسی تکذیب کند از وضع یک حکومتی که این حکومت‌ها، جائزانه است و کسی هم تا زمان دولت حق نمی‌تواند آنها را اصلاح کند، چه ربط دارد به اینکه حکومت عادلانه نباید تشکیل داد؟ بلکه اگر کسی جزئی اطلاع از اخبار ما داشته باشد، می‌بیند که همیشه امامان شیعه با آنکه حکومت‌های زمان خود را حکومت ظالمانه می‌دانستند و با آنها آن‌طورها که می‌دانید سلوک می‌کردند، در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی و در کمک‌های فکری و عملی کوتاهی نمی‌کردند و در جنگ‌های اسلامی در زمان خلیفه‌جور، باز شیعیان علی (ع) پیش قدم بودند. جنگ‌های مهم و فتح‌های شایانی که نصیب لشکر اسلام شده، مطلعین می‌گویند و تاریخ نشان می‌دهد که یا به دست شیعیان علی (ع) یا به کمک‌های شایان تقدیر آنها بوده. شما همه می‌دانید که سلطنت بنی امیه در اسلام، بدترین و ظالمانه‌ترین سلطنت‌ها بوده و دشمنی و رفتارشان را با آل پیغمبر (ص) و فرزندان علی بن ابی طالب (ع) همه می‌دانند و در میان همه بنی هاشم، بدسلوکی و ظلمشان به علی بن الحسین زین العابدین (ع) بیشتر و بالاتر بود. به همین سلطنت وحشیانه جائزانه، ببینید علی بن الحسین (ع) چقدر اظهار علاقه می‌کند. در کتاب صحیفه سجاده می‌گوید: اللهم صلّ علی محمد و آله و حصن ثغور المسلمین بعزّتک و اید حمائها و اسبق عطاهاهم من جدّک [...] تا آخر این دعا که قریب هشت صفحه است.^{۳۹}

برکات مادی و معنوی را به ارمغان آورد. حضرت علی (ع) در توصیف این وضعیت می‌فرماید:

انَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - نَذِيرًا
 لِلْعَالَمِينَ وَآمِنًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَانْتَمَ مَعْشَرُ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ
 فِي شَرِّ دَارٍ، مَنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَحَيَاتٍ صُمٍّ، تَشْرَبُونَ
 الْكَدْرَ وَتَأْكُلُونَ الْجَشْبَ وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَتَقْطَعُونَ
 أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنصُوبَةٌ وَالْآثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ.^{۴۰}

خداوند متعالی محمد (ص) را تبلیغ‌کننده بر عالمیان و امین
 برای فرستادن قرآن و رسالت مبعوث کرد و در آن حال شما،
 گروه عرب، دارای بدترین دین بودید و در بدترین جامعه زندگی
 می‌کردید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای کُر زندگی
 می‌کردید، آب‌های تیره می‌آشامیدید و غذای خشن می‌خوردید
 و خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشاوندان خود قطع رابطه
 می‌کردید، بت‌ها در میان شما (برای پرستش) نصب شده [بود]
 و گناهان و انحراف‌ها سخت به شما بسته بود.

مشروعیت اقدام انقلابی، ناشی از مبارزه با عوامل ناامنی و تولید امنیت
 است. امام خمینی با شناخت آسیب‌ها، آفت‌ها و بیماری‌های موجود در
 جامعه، سیاست ایران، جهان اسلام و حتی نظام بین‌الملل، به ارائه
 راه‌حل‌ها، درمان و آفت‌زدایی از این مجموعه پرداخت و موفق شد با تشکیل
 جمهوری اسلامی، راه را برای خروج از انحطاط و آفت‌زدایی از مجموعه
 کشورهای اسلامی و نظام بین‌الملل باز کند.^{۴۱}

چهارم. گفتمان امنیتی تقیه‌ای: این گفتمان بر دو گونه است: کسانی که

۴۰. نهج البلاغه، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۴۱. لک زایی، «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹، ش ۴۹.



تمام عصر غیبت را عصر تقیه می‌دانند و طرفدار «تقیه زمانیه» هستند. از آنجا که گفتمان سیاسی این عالمان، تعطیل و تعلیق حکومت در عصر غیبت است، نسبت به امنیت، که وظیفه ذاتی حکومت است، در وضعیت انفعالی و غیرمؤثر به سر می‌برند. برخی از پژوهشگران، با توجه به سخنان شیخ صدوق در اعتقادات، ایشان را از این گروه دانسته‌اند:

والتقیه واجبۃ لا یجوز دفعها الی ان یخرج القائم (ع)، فمن ترکها قبل خروجه فقد خرج عن دین الله و دین الامامیه و خالف الله و رسوله و الائمه؛

تقیه واجب است و ترک آن تا ظهور قائم (ع) جایز نیست و هرکس که تقیه را قبل از ظهور ترک کند، از دین خدا و دین امامیه خارج شده است و مخالفت با خدا و رسولش و امامان (ع) نموده است.^{۴۲}

اما بخش اعظم طرفداران تقیه، طرفدار «تقیه موردی» هستند. تقیه موردی در زمان ائمه معصومین (ع) نیز وجود داشته است. این تقیه مربوط به زمانی است که خطر جانی یا مالی قابل توجهی برای اظهار عقیده و یا دفاع از عقیده وجود داشته باشد، و جواز آن مشروط به شرایطی است: از جمله حفظ اسلام، حفظ نیروهای مبارز و در جهت پنهان کردن مبارزه و به خطر نیفتادن جان شخصی محترم. نمونه بارز تقیه، داستان علی بن یقطین است که وزارت هارون الرشید را پذیرفت.^{۴۳}

۲. روش مفهومی

روش مفهومی دربردارنده رویکردهای مختلفی است که به برخی از آنها

اشاره می‌کنیم:

۴۲. شیخ صدوق، الاعتقادات، ص ۱۰۸.

۴۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۳۶.

یکم. رویکرد مفاهیم متضاد: این رویکرد در بررسی مفهوم خاصی در فقه مناسب است. در این رویکرد، که استاد مطهری آن را معرفی کرده و به کار برده است، فهم درست هر مفهوم در گرو مطالعه ضد آن است. ایشان به صلاح و فساد، توحید و شرک، و ایمان و کفر مثال زده است. در بحث فقه امنیت و احکام امنیتی، می توانیم از مفاهیمی چون امن و خوف، عزت و ذلت، استقلال و وابستگی، استبداد و آزادی، عدل و ظلم، حاکم جائز و عادل، اسلام ناب محمدی و امریکایی، مستضعف و مستکبر و... یاد کنیم. روشن است که فقه از این نظر فوق العاده غنی است.

دوم. منظومه مفهومی سنت مطالعات فقهی امنیت: سنت مطالعات فقهی امنیت، به لحاظ جامعیتی که نسبت به رفتارهای امنیتی دارد، از شبکه مفهومی جامعی برخوردار است. این شبکه مفهومی در محورهای ذیل ترسیم می شود:

۱. مفاهیم ناظر به اقدامات امنیتی؛ مانند: حرب، تعدی، فتنه، صلح، قتال، غزو، دفاع، جهاد، حفظ، عین و جاسوسی؛

۲. مفاهیم ناظر به کارگزاران، ابزارها و نهادهای تأمین کننده و تهدیدکننده امنیت؛ مانند: خوارج، ذراری، امیر، مجاهدان، طلقاء، اهل ذمه، کافران، منافقان، مشرکان، محاربان، حربی، متجاوزان، عیون، بغات، قاعدین، قاسطین، ناکثین، سلاح، عده، جیش، حذر، جوشن، حصن، حصار، جنود، خمیس، عسکر، رباط، خیل، سریه، غزوه، رمایه، قوه و درع؛

۳. مفاهیم ناظر به اهداف و پیامدهای رفتارهای امنیتی؛ مانند: صلاة خوف، ديه، قطع من خلاف، قطع شجر، فرار، فديه، نفل، غنیمت، فیء، انفال، استرقاق، شهادت، مجروحان، اسارت، احدى الحسین، فتح، مفتوح العنوة، صلح، استقامت، غایب، مفقودالثر، امان، خراج، جریح و جزیه؛

۴. مفاهیم مربوط به محیط امنیتی؛ مانند: دارالاسلام، دارالکفر، دارالشُرک، دارالصلح، دارالعهد، دارالامان، دارالهدنه، دارالحیاد،

دارالبغی، دارالتحکیم، دارالموادعه، دارالاستیمان، مسجدالحرام، مسجدالنبی، ثغور و اشهر حرم؛

۵. مفاهیم ناظر به روشهای تأمین کننده و تهدیدکننده امنیت؛ مانند: فتنه، رعب، ارباب، تعدی، کفر، شرک، نفاق، هدایت، ابلاغ و حجت، استنابه فی الغزو، ارباب، مقابله بمثل، کید، خدعه، آتش بس، تقیه، اتراش، ثبات، صف، جاسوسی، عین، ارصاد، خیل و رجز؛

۶. مفاهیم ناظر به نوع، هدف و مرجع امنیت؛ مانند: حفظ نفس، حفظ مال، حفظ عقل، حفظ اسلام، حفظ نسل، حفظ ثغور، حفظ نظم و حفظ دارالاسلام.

جمع بندی

سنت مطالعات فقهی امنیت از ویژگیهای زیر برخوردار است: اولین ویژگی، جامعیت این سنت مطالعاتی است؛ این جامعیت در موارد متعددی، از جمله جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به ساحات، سطوح، موضوعات و قلمروهای امنیت؛ فراگیری نسبت به همه رفتارها؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به تهدیدات و امنیت سخت و نرم؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به امنیت ایجابی و سلبی؛ جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به نخبگان و توده مردم؛ و جامعیت و فراگیری نسبی نسبت به کارگزاران امنیت و تهدید خود را نشان می دهد. از سوی دیگر، رواج گفتمان فقهی در جوامع اسلامی و در نتیجه اثرگذاری بیشتر، به ویژه از منظر تبعیت از فرامین رهبران مذهبی، چه به لحاظ حکم حکومتی و چه به لحاظ فتوا، از دیگر ویژگی های این سنت است. روشمند بودن، نظام مند بودن، هدفمند بودن و عملیاتی و عینی و در نتیجه توجه عمده به مظاهر و شاخص های تهدید و امنیت، از دیگر ویژگی های این سنت مطالعاتی است.

قرآن کریم .

۱ . نهج البلاغه .

۲ . امام سجاده، زین العابدین (ع)، رساله حقوق امام سجاده (ع)، شرح :

علی محمد حیدری نراقی، انتشارات نراقی، قم، ۱۳۸۹ ش .

۳ . خامنه ای، سیدعلی، تقریرات درس خارج فقه «هدنه (آتش بس)» سایت معظم له .

۴ . کلینی، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش .

۵ . طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۹ ش .

۶ . صدرالمآلهین، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، باشراف محمد خامنه ای، تصحیح، تحقیق و مقدمه : مصطفی محقق داماد، [بی نا] تهران، ۱۳۸۲ ش .

۷ . _____، رسائل سبعة : ... الاعتباریات، نشر کتاب، قم، ۱۳۶۲ ش .

۸ . _____، الرسائل التوحیدیة : رسالة الانسان قبل الدنيا، رسالة الانسان فی الدنيا، رسالة الانسان بعد الدنيا و...، [بی نا] بیروت، ۱۴۱۲ ق .

۹ . امام خمینی، روح الله، شرح حدث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸ ش .

۱۰ . _____، شرح جهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۷ ش .

۱۱ . خواجه نصیرالدین، طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح و تحقیق : مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ ششم : خوارزمی، تهران، ۱۳۸۵ ش .

۱۲. _____، اساس الاقتباس، تصحیح: مدرس رضوی، چاپ سوم: دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۱۳. دیموش عاملی، علی، دایرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، نظارت: سید جعفر مرتضی عاملی، ترجمه: غلامحسین باقری مهبیاری و رضا گرمابدری، دانشگاه امام حسین (ع)، [بی جا] ۱۳۷۹ ش.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیر کبیر، [بی تا].
۱۵. ظاهری خرم آبادی، سیدحسن، جهاد در قرآن، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. الآصفی، محمد مهدی، الجهاد، تدوین: ابو میثم الشیبی، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. نوری، حسین، جهاد، چاپ پنجم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، [بی جا]، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. عاملی، جعفر مرتضی، اصل مقابله به مثل در اسلام، ترجمه و نگارش: محمد سپهری، امیر کبیر، [بی جا]، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، تصحیح و مقدمه: دکتر غلامحسین زرگروری نژاد، بقعه، [بی جا]، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. رسایل و فتاوی جهادی (شامل رساله ها و فتوای علمای اسلامی در جهاد با قدرت های استعماری)، تدوین، تحقیق و تحشیه: محمد حسن رجبی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، ج ۱ (۱۳۲۳-۱۲۰۰)، تحقیق و تدوین: محمد حسن رجبی و فاطمه رویا پورامید، نشر نی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. مهاجرنیا، محسن، «زوال دولت در فلسفه سیاسی فارابی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۰، پاییز ۱۳۷۹.

۲۳. فارابی، ابونصر محمد، آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها، مقدمه و شرح و تعلیق: دکتر علی بوملحم، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹۵م.
۲۴. _____، تحصیل السعاده، دار و مکتبه الهلال، تحقیق و شرح: علی بوملحم، بیروت، [بی تا].
۲۵. _____، فصول منتزعه، تحقیق، تصحیح و تعلیق: دکتر فوزی نجار، چاپ دوم: المکتبه الزهراء(ع)، تهران، ۱۴۰۵ق.
۲۶. _____، تحصیل السعاده (مندرج در: الاعمال الفلسفیه)، مقدمه، تحقیق و تعلیق: دکتر جعفر آل یاسین، دار المناهل، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۲۷. _____، احصاء العلوم، مقدمه و شرح: دکتر علی بوملحم، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹۶م.
۲۸. _____، السیاسة المدنية، مقدمه و شرح: دکتر علی بوملحم، مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۹۶م.
۲۹. عماره، محمد، الاسلام و الامن الاجتماعی، ترجمه: مجید احمدی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳ش.
۳۰. منجود، مصطفی محمود، الابعاد السیاسیه لمفهوم الامن فی الاسلام، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، قاهره، ۱۹۹۶م.
۴۰. صالحی نجف آبادی، نعمت الله، جهاد در اسلام، نشر نی، [بی جا]، ۱۳۸۲ش.
۴۱. لک زایی، نجف، «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳۸۹، ش ۴۹.
۴۲. _____، «کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳۸۹، ش ۵۰.
۴۳. _____، «سازوکارهای تأمین امنیت ملی از دیدگاه محقق سبزواری»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۳۷۹، ش ۹.
۴۴. _____، «اصول رهیافت امنیتی پیامبر(ص) در قرآن کریم»،

- فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۳۸۵، ش ۳۵.
۴۵. _____، چالش سیاست دینی و نظم سلطانی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، [بی تا].
۴۶. سبزواری، محمد باقر، روضة الانوار عباسی، تصحیح و تحقیق: نجف لک زایی، بوستان کتاب، قم، [بی تا].
۴۷. طوسی، خواجه نظام الملک، سیاستنامه، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۴۸. گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، ج ۲، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۴۹. طباطبایی، محمدحسین، «ولایت و زعامت» (بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۵۰. جوهری، اسماعیل، الصحاح، ج ۴، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۵۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۵۲. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، ج ۸، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۵۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۵۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
۵۵. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، علل الشرائع، مكتبة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۳۸۶ ق.
۵۶. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، القواعد و الفوائد، به کوشش: سید عبدالهادی حکیم، کتاب فروشی مفید، قم، [بی تا].
۵۷. شهابی، محمود، ادوار فقه، چاپ چهارم: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۵۸. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، سلوک الملوک، تصحیح و مقدمه: محمد علی موحد، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۵۹. صدر، سید محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، نگارش: سید محمود هاشمی، المجمع العلمی للشهید الصدر، [بی جا]، ۱۴۰۵ ق.
۶۰. صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الاصول (الحلقات)، دارالهادی للمطبوعات، قم، ۱۹۷۸ م.
۶۱. _____، الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب اهل البيت، دار الکتب اللبنانی و دار الکتب المصری، بیروت و مصر، ۱۹۷۷ م.
۶۲. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، سمت، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۶۳. جناتی، محمد ابراهیم، ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، کیهان، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۶۴. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه فی مباحث الالفاظ و الملازمات العقلية و مباحث الحجة و الأصول العملية، تحقیق: عباسعلی الزارعی السبزواری، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۶۵. امام خمینی، روح الله، تهذیب الأصول، نگارش: جعفر سبحانی، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۶۶. انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.
۶۷. خراسانی، محمد کاظم، (آخوند خراسانی)، کفایة الاصول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۶۸. خوئی، سید ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، نگارش: محمد اسحاق فیاض، دار انصاریان، قم، ۱۴۱۰ ق.
۶۹. _____، مصباح الاصول، گرد آورنده: محمد سرور به سودی، نجف، ۱۳۸۶ ق.
۷۰. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۷۱. مدرسی طباطبائی، حسین، مقدمه ای بر فقه شیعه (کلیات و

کتاب شناسی) ترجمه: محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهش های اسلامی
آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۸ ش.

۷۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق
و تصحیح: شیخ عباس قوچانی، چاپ هفتم: دار إحياء التراث العربی،
بیروت، [بی تا].

۷۳. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، نرم افزار جامع فقه اهل
بیت، نسخه جدید، قم، ۱۳۸۹ ش.

۷۴. _____، نرم افزار مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم.

۷۵. _____، نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی، قم.

۷۶. _____، نرم افزار کتابخانه حکمت اسلامی، قم.

۷۷. _____، نرم افزار نورالعرفان، قم.

۷۸. _____، نرم افزار نورالسیره، قم.

۷۹. _____، نرم افزار جامع التفاسیر، قم.

۸۰. _____، نرم افزار نور الانوار، قم.

۸۱. _____، نرم افزار نور الجنان، قم.

۸۲. _____، نرم افزار کتابخانه اصول فقه، قم.